

نقش فناوری‌های ارتباطی دیجیتال در برقراری صلۀ رحم

■ شجاعت پورصدیقی^۱، شادی ضابط^۲، سیدعلیرضا افشانی^۳

چکیده

نتایج برخی تحقیقات، نشان‌دهنده تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در روابط خانوادگی‌اند. هدف این تحقیق، بررسی نقش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در برقراری صلۀ رحم بین جوانان و اعضای خانواده است. به بیان دیگر، این پژوهش می‌کوشد نقش استفاده از فناوری‌های ارتباطی دیجیتال مانند رایانه، تلفن همراه، اینترنت و نظایر آنها را در برقراری صلۀ رحم فیزیکی (برقراری ارتباطات رودررو) و صلۀ رحم دیجیتالی (برقراری ارتباط با خویشاوندان از طریق فناوری‌های ارتباطی) مطالعه کند. روش این مقاله از نوع پیمایش است و از پرسش‌نامه محقق ساخته برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر یاسوج بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر از آنان از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS21 اجرا شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، هرچه میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی افزایش یابد، میزان صلۀ رحم از طریق ابزارهای ارتباطی دیجیتال هم تقویت می‌شود. بین استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و کم‌رنگ‌تر کردن صلۀ رحم فیزیکی، رابطه معناداری وجود ندارد. به بیان دیگر، نتایج این پژوهش نه تنها نشان می‌دهند که این ابزارها به برقراری نوع جدیدی از صلۀ رحم یعنی صلۀ رحم دیجیتالی کمک می‌کنند، بلکه مدعی‌اند که استفاده از این فناوری‌ها نقشی در کم‌کردن صلۀ رحم فیزیکی ندارد.

واژگان کلیدی

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی دیجیتال، فضای مجازی، صلۀ رحم، فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، روابط بین فردی.

مقدمه

ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی در عصر حاضر، تغییراتی در روابط فردی و اجتماعی به وجود آورده است. از زمانی که این فناوری‌ها وارد فضای زندگی انسان شده‌اند تا به امروز، برخی دغدغه‌ها و نگرانی‌هایی را برای خانواده‌ها، محققان، مسئولان کشور و... به وجود آورده‌اند. ازجمله این نگرانی‌ها، جذب شدن بیش از اندازه افراد به ابزارهای مختلف فناوری‌های ارتباطی دیجیتال و کم شدن یا قطع رابطه آنان با اعضای خانواده در دنیای واقعی و ارتباطات رودررو و گرفتار شدن در دام انزواست.

برخی معتقدند فناوری‌های جدید باعث جمع‌زدایی می‌شوند و توجه بیش از حد به آنها منجر به افزایش فاصله بین افراد شده است. چنین مسئله‌ای موجب شده هر فرد ساعتی از وقت خود را در شبکه‌های اجتماعی مجازی و شبکه‌های اینترنتی بگذراند. افزایش چنین روندی به اختلالات رفتاری و فردگرایی (جمع‌زدایی) دامن می‌زند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۸). تحقیق دیگری نشان داده که کاربران این شبکه‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند در محیطی آرام و خلوت از اینترنت استفاده کنند تا بتوانند با تمرکز و سرعت بیشتر، از اطلاعات آن بهره ببرند؛ اما این نوع خلوت و انزوا در طولانی‌مدت برخی مشکلات روانی مانند گوشه‌گیری و درنهایت افسردگی را در پی دارد. کیسلر و همکارانش معتقدند: بسیاری از روان‌شناسان این نگرانی را داشته‌اند که آسانی ارتباطات اینترنتی، چه بسا افراد را وادار می‌دارد تا زمان بیشتری را در تنهایی بگذرانند، به صورت آنلاین با غریبه‌ها صحبت کنند و ارتباطات سطحی برقرار سازند و این کارها را به قیمت از دست دادن گفت‌وگوهای رودررو و ارتباطات خانوادگی و دوستانه انجام می‌دهند.

(مرشدی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۰۹-۴۰۸). تحقیقات متعددی درباره آسیب‌شناسی استفاده از فناوری ارتباطی و اطلاعاتی دیجیتال انجام شده است که ازجمله آنها می‌توانیم به تحقیق بیان و لیانگ^۱ (۲۰۱۴) اشاره کنیم که نشان داد بین اعتیاد به تلفن هوشمند و خجالت‌زدگی و تنهایی رابطه وجود دارد.

اما فناوری‌های ارتباطی این توانایی را دارند که باعث تقویت ارتباطات بین فردی شوند. خصوصیات فناوری دیجیتال مانند لازمانی و لامکانی، امکان «حضور» در هر زمان و همه جا را پیش روی انسان‌ها قرار داده که با استفاده از آن بتوانند با مخاطبان بیشتری سخن بگویند. این امکان برقراری ارتباط را می‌توانیم در مقوله صلّه رحم نیز به کار بگیریم.

صلّه رحم یکی از دستورات مؤکد دین مبین اسلام و یکی از مهمترین آداب اجتماعی است که با عمل صحیح به آن، ریشه بسیاری از کمبودها و نیازها از بین می‌رود. صلّه به

1. Bian & Leungl

معنای وصل است و در اصطلاح به احسان و اظهار عطف و رعایت حال دیگران گفته می‌شود (مجلسی، ۱۳۷۴). شرف‌الدین در کتاب تحلیلی اجتماعی از صلۀ رحم می‌گوید: «از آنجا که شرایط زمانی و مکانی جوامع، اوضاع و احوال محیط و اشخاص متفاوت‌اند، شرع مرجعیت عرف را همچون سایر موارد به میان کشیده است. این‌گونه نیست که صلۀ رحم فقط با رفت‌وآمد و دیدوبازدید تحقق پیدا کند، بلکه این راه یکی از موارد تحقق صلۀ رحم است. تلفن‌زدن، احوالپرسی، مکاتبه، فرستادن هدیه، انفاق مال به اقوام و ... می‌تواند از مصادیق دیگر صلۀ رحم باشند. البته باید ببینیم که ارحام چه انتظاری از ما دارند؛ مثلاً اگر از ما انتظار دارند که به دیدن آنان برویم و این کار برای ما مقدور است، باید آن را انجام دهیم، ولی اگر با یک تلفن‌زدن انتظارشان برآورده می‌شود، صلۀ رحم به جا آورده شده است. پس مصادیق صلۀ رحم ممکن است با توجه به عرف و انتظارات طرفین از همدیگر تغییر کند. مثلاً اگر دید و بازدید با پسرعمو به علت وجود مشکلات چند ماه یک بار انجام شود، اما ارتباط تلفنی وجود داشته باشد، ممکن است بسته به نوع مشکلات و عرف و انتظارات، صلۀ رحم انجام شده باشد؛ اما چند ماه یک بار سرزدن به پدر و مادر (جز در موارد خاص)، کوتاهی در صلۀ رحم محسوب می‌شود و اگر مشکل خاصی وجود نداشته باشد، در سرزدن به پدر و مادر، باید انتظارات آنان را برآورده کنیم. همچنین صلۀ ارحام افراد ثروتمند برای خویشان فقیرشان کمک مالی و تأمین نیازهای مادی ایشان است (علاوه بر دیدوبازدید) و به‌طورقطع، سرکشی مستمر ایشان هرچند عرفاً از مصادیق صلۀ رحم محسوب می‌شود، اما آنها را از وظیفه دینی‌شان یعنی ادای صلۀ مطلوب (کمک مالی) معاف نمی‌سازد (شرف‌الدین، ۱۳۷۸: ۴۴).

امروزه با پیشرفت فناوری‌های ارتباطی و همچنین استفاده روزافزون از این نوع ابزارها، ارتباطات جدیدی شکل‌گرفته‌اند. در این نوع ارتباطات، علاوه بر ایجاد امکان گفتگوهای صوتی، ارتباطات نوشتاری هم تقویت شده‌اند. این شکل جدید ارتباطات، بنا بر نظر مراجع عظام تقلید، می‌تواند صلۀ رحم محسوب شوند که در این مقاله از آنها به‌عنوان صلۀ رحم دیجیتالی یاد شده است. این عبارت، در برابر صلۀ رحم فیزیکی قرار می‌گیرد.

با این تفصیل، پژوهش پیش‌رو به دنبال آن است که نقش فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی را در برقراری صلۀ رحم در بین جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر یاسوج بررسی کند. انجام این مقاله بدین سبب ضروری به نظر می‌رسد که تغییرات به‌وجودآمده در انجام فرایض دینی و ازجمله صلۀ رحم را در اثر استفاده از فناوری‌های ارتباطی مطالعه می‌کند، تغییراتی که اغلب به ضرر این ابزارها تشخیص داده شده‌اند و آنها را عامل انزوا، افسردگی و گسستن رابطه با خویشاوندان می‌دانند. این پژوهش از آنجا حائز اهمیت است که نوع جدیدی از ارتباطات را که از طریق این فناوری‌ها شکل می‌گیرد و سبب انجام یکی از احکام اسلامی می‌شود، مطالعه

قرار می‌کند و در پی پاسخ‌گفتن به این پرسش است که: آیا بین میزان استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و برقراری صلۀ ارحام فیزیکی رابطه وجود دارد؟ آیا بین میزان استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و برقراری صلۀ ارحام دیجیتال رابطه وجود دارد؟ این تحقیق شامل یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی مرتبط با پرسش‌های اصلی است: فرضیه اصلی: هر چه میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی افزایش یابد، میزان صلۀ رحم و ارتباط با خویشاوندان هم بیشتر می‌شود؛

۱. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در ایجاد و تقویت صلۀ رحم دیجیتال نقش دارند؛

۲. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در کمرنگ‌کردن صلۀ رحم فیزیکی نقش دارند؛

پیشینه پژوهش

دهقان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با روابط اجتماعی دانش‌آموزان»، با استفاده از روش پیمایشی به این نتایج رسیدند که نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایلی، بر عضویت در گروه‌های مجازی، تعاملات و روابط اجتماعی مجازی، تأثیر مثبت معنادار دارد. عضویت در گروه‌های مجازی بر افزایش دوستی و حمایت عاطفی تأثیر مثبت معنادار دارد؛ اما وابستگی زیاد به اینترنت، بر کاهش روابط واقعی با اطرافیان تأثیر منفی معنادار دارد. افزایش تعاملات مجازی با اطرافیان، بر افزایش دوستی و حمایت عاطفی تأثیر مثبت معنادار دارد. همچنین نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایلی، بر انزوا و نیز آشنایی با دوستان بزهکار اینترنتی تأثیر معنادار ندارد، اما آشنایی با دوستان بزهکار اینترنتی، بر همنشینی افتراقی تأثیر مثبت معنادار دارد.

کنعانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه استفاده از اینترنت با نگرش به دوستی اینترنتی با جنس مخالف در میان دانشجویان دانشگاه گیلان»، با استفاده از روش پیمایشی به این نتیجه رسیدند که متغیر نگرش به دوستی اینترنتی با جنس مخالف و نحوه استفاده از اینترنت، در نگرش مثبت به دوستی اینترنتی با جنس مخالف تأثیرگذار بوده است.

فرکوش و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر استفاده از تلفن همراه در ارتباطات چهره‌به‌چهره از نظر دانشجویان دانشکده علوم انسانی واحد تهران شرق» با حجم نمونه ۳۸۴ نفر با استفاده از روش پیمایشی و نمونه‌گیری تصادفی ساده انجام دادند. در این پژوهش پنج فرضیه مطرح شد که در نتیجه تحقیق درخصوص کاهش یا

افزایش اعتماد به نفس، با توجه به آزمون دوجمله‌ای، فرضیهٔ تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان و ۵ درصد خطا رد شد. در مورد استفاده از تلفن همراه و رشد مهارت‌های کلامی در فرایند ارتباط چهره‌به‌چهره، طبق نتایج به دست آمده از آزمون دوجمله‌ای، فرضیهٔ تحقیق با ۹۹ درصد اطمینان و یک درصد خطا تأیید شد. در مورد استفاده از تلفن همراه و رشد مهارت‌های غیرکلامی در فرایند ارتباط چهره‌به‌چهره، طبق نتایج به دست آمده از آزمون دوجمله‌ای، فرضیهٔ تحقیق با ۹۹ درصد اطمینان و یک درصد خطا تأیید شد. در مورد استفاده از تلفن همراه و کاهش مهارت گوش دادن در فرد، طبق نتایج به دست آمده از آزمون دوجمله‌ای، فرضیهٔ تحقیق با ۹۹ درصد اطمینان و یک درصد خطا تأیید گردید. همچنین در مورد استفاده از تلفن همراه و کاهش یا افزایش ارتباط فرد با جمع، مطابق نتایج به دست آمده از آزمون دوجمله‌ای، فرضیهٔ تحقیق با ۹۵ درصد اطمینان و ۵ درصد خطا رد شد.

مهدی زاده و خیلا (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تلفن همراه و روابط اجتماعی در میان دانشجویان شهید بهشتی» با حجم نمونه ۳۲۳ نفر، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی و روش پیمایشی به این نتیجه رسیدند که بین الگوی مصرف تلفن همراه و میزان روابط اجتماعی رابطه وجود دارد.

ربیعی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی که با عنوان «آسیب‌شناسی فضای مجازی؛ بررسی تأثیر استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی دانشجویان» با استفاده از روش پیمایشی انجام دادند، به این نتایج دست یافتند که یکی از متغیرهایی که بیشترین اثر را بر انزوای اجتماعی دارد، استفادهٔ اجتماعی از اینترنت است و همچنین استفادهٔ اجتماعی از اینترنت با بتای ۲۴ درصد، دارای تأثیر مستقیمی بر انزوای اجتماعی است.

عقیلی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ارتباطات بین فردی کاربران»، با استفاده از روش مصاحبه، به این نتایج دست یافتند که همهٔ پاسخ‌دهندگان معتقد به تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی مجازی بر روی ارتباطات بین فردی (رودرو) هستند و اذعان داشته‌اند که یافتن دوستان و آشنایان قدیمی در فیس‌بوک، باعث ارتباط بیشتر آنان با یکدیگر و برقراری ارتباط مجدد شده است. همچنین شش نفر تمایل به عضویت در گروهها و اجتماعات مختلف انسانی‌ای که در شبکهٔ اجتماعی فیس‌بوک تشکیل می‌شود داشته و چهار نفر نیز تمایلی به حضور در گروههای انسانی فیس‌بوک نداشته‌اند. همچنین هفت نفر گفته‌اند که با حضور در شبکهٔ اجتماعی فیس‌بوک و فعالیت در آن، تغییراتی در برنامهٔ روزانهٔ آنان و کارهای روزمره‌شان ایجاد شده است.

کاروالهوا^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «عملکرد خانواده و فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی: چگونه اینها به هم مربوط اند؟»، رابطه این دو متغیر را بررسی کرده اند. محققان یاد شده، در این تحقیق، ۴۵ مقاله را از سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۳ در این حوزه بررسی و به پنج بُعد توجه کرده اند: ۱. نگرش به فناوری های اطلاعات و ارتباطات؛ ۲. انواع فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی و الگوی استفاده از آنها؛ ۳. همبستگی خانواده؛ ۴. نقش خانواده، مناقشات بین نسلی؛ ۵. مرزهای خانواده. نتایج نشان می دهند که فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی، تغییرات کیفی در عملکرد خانواده اعمال کرده و یک حالت جدید از تعاملات و الگوهای روابط خانوادگی به وجود آورده اند.

لویی^۲ و همکاران (۲۰۱۶) تحقیقی را با عنوان «تأثیر عملکرد خانواده بر استفاده از رسانه های اجتماعی به وسیله نوجوانان افسرده» در ملیورن استرالیا انجام داده اند. این تحقیق به روش کیفی و جمع آوری داده ها به وسیله مصاحبه با پدر و مادر افراد ۱۲ تا ۱۸ ساله دچار افسردگی در سالهای ۲۰۱۴-۲۰۱۲ انجام شده است. در این مقاله با ۳۹ پدر و مادر مصاحبه کرده اند. نتایج نشان می دهند که پدر و مادرها رسانه جمعی را تهدیدی برای انسجام خانواده و اقتدار والدین می دانند و اعتقاد دارند که رسانه های جمعی می توانند عوامل آسیب زا را بر روی کودکان دچار افسردگی تشدید کنند.

روبرتو و دیوید^۳ (۲۰۱۶) در مقاله ای با عنوان «زندگی من به خاطر تلفن همراهم، دچار یک بی اعتنایی عمده شده است: فابینگ شریک و رضایت از روابط در میان شرکای عاشقانه» که نمونه آن را ۳۰۸ نفر از بزرگسالان آمریکایی تشکیل می دادند، به بررسی بی اعتنایی زوجین به شریکشان از نفع تلفن همراه و تأثیر آن بر رضایت از زندگی پرداخته اند که نتایج حاکی از این است که تأثیر فابینگ بر رضایت از رابطه، به دلیل تعارض بر سر استفاده از تلفن همراه است. در ضمن باید گفته شود که سبک دلبستگی نیز بر میزان تعارض تلفنی مؤثر است و آنهایی که سبک دلبستگی مضطرب دارند، نسبت به آنهایی که سبک دلبستگی کمتر مضطرب دارند، بیشتر دچار تعارض اند. در نهایت، این مقاله بیان می دارد که رضایت از رابطه زوجین که تحت تأثیر فابینگ است، بر رضایت از زندگی و افسردگی آنها نیز مؤثر است.

دویت^۴ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی پیامدهای مثبت و منفی استفاده از تلفن همراه در روابط اجتماعی جوانان» به این نتایج دست یافت که جوانان از تلفن همراه به ندرت

1. Carvalho
2. Lewis
3. Roberts and David
4. Devitt

برای معاشرت با پدر و مادر استفاده می‌کنند، بلکه اغلب رابطۀ آنها با والدین، از طریق تلفن همراه با یک هدف خاص بوده است؛ مثلاً خبر از دیرآمدن به خانه. همچنین تمام جوانان مورد مطالعه اظهار داشتند که فایده اصلی تلفن همراه برای آنها، تنظیم سریع ملاقات‌ها و اطلاع به پدر و مادر است در مورد اینکه کجا هستند و چه زمانی به خانه برمی‌گردند و از این جهت احساس استقلال می‌کنند. تمام جوانان معتقد بودند که داشتن تلفن همراه، سبب افزایش ایمنی آنهاست، چون در صورت بروز خطر، بلافاصله می‌توانند با پلیس و والدین خود تماس بگیرند و از طرفی تمام والدین معتقد بودند که تلفن همراه به نفع جوانان است و سبب تسهیل روابط اجتماعی و افزایش احساس امنیت آنها شده است و نیز امکان نظارت والدین بر جوانانشان را فراهم می‌کند و در عین حال عده‌ای بر این باورند که تلفن همراه ممکن است یک احساس امنیت کاذب به جوانان بدهد و سبب بروز خطرات بیشتر برای آنها شود.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توانیم بگوییم که مباحث مربوط به پیشینه تحقیق، هر کدام بحث‌های مختلفی را در مورد مسئله پژوهش به خود اختصاص داده‌اند. این مباحث از بعضی جهات دارای نکات مثبت و مهمی هستند. یافته‌های این مطالعات نشان داده‌اند که این فناوری‌ها به دلیل دسترسی آسان و مداوم و سادگی برقراری، به یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی در سطح جامعه و جهان تبدیل شده‌اند و همچنین میانگین سنی استفاده از این فناوری‌ها به شدت کاهش یافته است. از این رو پرداختن به مسائل مربوط به این قشر عظیم جامعه یعنی جوانان، از ضروریات است.

صلۀ رحم در اسلام

در مورد صلۀ رحم، در اسلام (اعم از قرآن کریم و احادیث و روایات) سفارشات بسیاری شده است. با توجه به محدودیت‌های مقاله، تنها به موارد مختصری اشاره می‌کنیم. خداوند متعال در قرآن کریم، صلۀ رحم را در ردیف پرستش خودش آورده است و می‌فرماید: *واعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و بذی القربی...* (سوره مبارکه نساء، آیه ۳۶)؛ خدا را بپرستید و هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر و خویشان نیکی کنید. در آیه اول همین سوره می‌فرماید: *واتقوا الله الذی تسألون به و الارحام ان الله کان علیکم رقیباً*؛ «بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید و دربارهٔ ارحام کوتاهی نکنید. همانا خداوند مراقب شماست.» پیامبر اکرم (ص) آن را جزئی از دین دانسته‌اند: «به حاضر و غایب امتم و آنانی که از اصلاص مردان و ارحام زنان تا روز قیامت به دنیا می‌آیند سفارش می‌کنم صلۀ رحم کنند، اگرچه به فاصله یک سال راه باشد؛ زیرا صلۀ رحم جزو دین است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، باب ۳، روایت ۷۳).

در برخی از روایات و احادیث از ائمه علیهم السلام، صلۀ رحم یکی از واجبات دین اسلام معرفی شده است: حضرت علی (ع) می‌فرماید: اِنَّ صَلَّةَ الْاِرْحَامِ لَمِنْ مَوْجِبَاتِ الْاِسْلَامِ اِنَّ اللّٰهَ سَبْحَانَهُ اَمْرٌ بِاِكْرَامِهَا؛ «همانا صلۀ رحم از واجبات دین اسلام است و خداوند سبحان نسبت به اکرام ارحام و خویشان امر فرموده است» (آمدی، ۱۳۶۲: ۴۰۶، ح ۹۲۹۰).

امام رضا (ع) می‌فرماید: «فردی صلۀ رحم انجام می‌دهد، در حالی که سه سال از عمر او باقی مانده است و خدا سنّ او را به ۳۰ سال افزایش می‌دهد، خدا هرچه بخواهد انجام می‌دهد» (کلینی، ۱۳۶۷، ۱۵۱/۲).

یکی از شیرین‌ترین آداب اجتماعی اسلام که در تحکیم روابط خانوادگی نقش کلیدی دارد، صلۀ رحم است که نکات فراوانی در فرهنگ اسلامی درباره آن وجود دارد. مسلمین موظف‌اند ارتباط بین اجزای خانواده خود را تنگاتنگ، گرم و صمیمی نگهدارند، از تنش‌هایی که موجب به هم خوردن روابط خوب خانوادگی است جلوگیری کنند و از امور جزئی که موجب سوءظن‌های بیجا و سردی‌های بی‌مورد است به راحتی بگذرند.

توصیۀ اکید به صلۀ رحم و دوری‌گزیدن از قطع رحم، یکی از مهم‌ترین راهبردهای اخلاقی و حقوقی اسلام در ایجاد همبستگی و تحکیم پیوندهای اجتماعی میان اعضای شبکه خویشاوندی است. جامعۀ اسلامی ما نیز به‌رغم تأکیدهای مبرم اسلام و جایگاه فرازین این سنخ آداب اجتماعی در نظام ارزشی و هنجاری آن، به علت وقوع برخی تغییرات ساختاری، از این عارضۀ ناخوشایند در امان نمانده است. بنابراین به مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ضعف و قطع صلۀ رحم می‌پردازیم. شرف‌الدین (۱۳۷۸: ۳۴۰-۳۶۵) پنج عامل را برای این امر شناسایی کرده است: «ضعف اعتقادات مذهبی، عدم بهره‌گیری کافی از فرمان‌ها و تعالیم مذهبی (به خصوص در ادیانی همچون اسلام که مجموعه قابل توجهی از تعالیم و دستورهای اجتماعی را فراهم کرده است) در زندگی اجتماعی؛ کم‌رنگ شدن ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای منبعث از آن.» این عوامل، از عمده‌ترین دلایل ضعف، تشّتت یا ازهم‌گسیختگی پیوندهای اجتماعی در جوامع امروز قلمداد می‌شوند.

یکی دیگر از عواملی که به نوعی در تضعیف علایق افراد برای رعایت اقتضائات وابستگی‌های خویشاوندی مؤثر بوده، مسأله تحصیلات علمی و تنوع رشته‌های مختلف تحصیلی است که منجر به ایجاد نظام تقسیم کار در جامعه می‌شود. بی‌تردید تنوع در تخصص‌ها و موقعیت‌های شغلی و به تبع آن در سبک‌های زندگی، موجب تنوع در جهان بینی‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، خلق و خوی‌ها و رفتارها می‌شود و این خود به نوعی به مرزبندی و ایجاد فاصلۀ روانی و اجتماعی میان انسان‌ها کمک می‌کند.

تحرك فیزیکی و مهاجرت، اعم از داخلی و خارجی نیز از جمله عواملی است که در جامعۀ

امروز به تناسب وضعیت و موقعیت تمدنی آن، به وفور و در گسترۀ وسیع امکان تحقق یافته است. وقوع مهاجرت‌های پرتنوع به اقتضای ضرورت‌هایی همچون کاربایی، تحصیل، رهایی از محدودیت‌های فرهنگی، فعالیت‌های بازرگانی- تجاری و مسائل و مشکلات سیاسی- اجتماعی در عصر و زمان حاضر، یکی از عوامل بسیار مهم در ایجاد فاصله میان افراد وابسته به یک شبکه خویشاوندی است.

یکی دیگر از ویژگی‌های جامعۀ جدید در مقایسه با جامعۀ سنتی پیشین، طیف وسیع و تنوع بیش از حدّ بینش‌ها، نگرش‌ها، باورهای فرهنگی، خلق و خوی‌ها، سلیقه‌ورزی‌ها، نوگرایی و مُدپرستی است که خود به نوعی موجب ناهمگونی میان افراد جامعه شده و فاصله‌های طبیعی میان افراد را تشدید می‌کند.

عقلانیت ابزاری و خلق و خوی سوداگرانه و محاسباتی نیز از جمله بازنتاب‌های ذهنی-روانی تمدن صنعتی در انسان امروز است. این نگرش، انسان را به نوعی فردگرایی، خودمحوری و منفعت‌جویی سوق می‌دهد که فرهنگ جامعه و به تبع آن همه ارتباطات اجتماعی را متأثر ساخته است.

مبانی نظری پژوهش

با ظهور و گسترش فرایند فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، تغییراتی در زندگی افراد پدید آمده که باعث گسترش فعالیت‌های ارتباطی جامعه شده‌اند؛ اما این تغییرات، ریشه عمیقی در فرهنگ جامعه دارند. بخش نخست نظریه‌های این تحقیق برآمده از نظریه‌های مربوط به خصوصیات فناوری‌های ارتباطی دیجیتال و رابطه استفاده از این فناوری‌ها و فرهنگ است. یکی از رایج‌ترین دیدگاه‌ها در مورد فناوری ارتباطی، جبرگرایی فن یا فناورانه است که فناوری را مخلوق انسان، اما خارج شده از کنترل وی فرض می‌کند که مسیر خود را طی می‌کند و آنچه بخواهد با زندگی انسان می‌کند (امیدعلی و حسینی، ۱۳۹۱: ۲۹). اما این دیدگاه با انتقادهایی روبه‌رو شد که در ادامه بحث خواهیم گفت. دستۀ دوم نظریه‌های این مقاله، دیدگاه‌های جامعه‌شناسانی نظیر باومن^۱ و گیدنز^۲ درباره دنیای جدید است. این نظریه‌ها از این جهت در تحلیل داده‌ها مفیدند که صلۀ رحم امری متعلق به جامعۀ سنتی تلقی می‌شود و این نظریه‌ها نشان می‌دهند روابط انسانی دنیای جدید، دچار گسست و ضعف شده است و ورود فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند تشدیدکننده این امر تلقی شود.

1. Bauman
2. Giddens

خصوصیات فناوری دیجیتال

محققان فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مشخصاتی را برای این فناوری‌ها در نظر می‌گیرند. مک کوایل^۱ (مهدی‌زاده، ۱۳۸۹) چهار مؤلفه اصلی فناوری‌های دیجیتال یا چیزی که وی رسانه‌های جدید می‌نامد را شناسایی و معرفی می‌کند: نخست وی این ابزارها را رسانه ارتباطات میان فردی می‌داند. این مورد شامل تلفن، تلفن همراه و ایمیل است. او معتقد است محتوای چنین ارتباطاتی خصوصی و دارای تاریخ انقضای کوتاه است و روابط شکل‌گرفته مهم‌تر از اطلاعات انتقال یافته‌اند. دومین خصوصیت این ابزارها به نظر این نویسنده، ایفای نقش تعاملی انسان و ماشین است که شامل بازیهای ویدئویی و رایانه‌ای و وسایل و امکانات واقعیت مجازی می‌شود. سومین مؤلفه، امکان جستجوی اطلاعات به وسیله اینترنت است که منبع گسترده‌ای برای دسترسی تلقی می‌شود. اینترنت همچنین مجرای برای بازیابی و اصلاح اطلاعات است و نهایتاً مک کوایل این ابزارها را رسانه مشارکت جمعی می‌داند، بدین علت که استفاده از اینترنت برای مشارکت و مبادله اطلاعات، عقاید، تجربه و توسعه روابط شخصی فعال است. دامنه استفاده حتی به جنبه‌های احساسی و عاطفی نیز گسترش می‌یابد.

جبرگرایی تکنیکی

رویکرد جبرگرایی فناورانه، رابطه فناوری و جامعه را رابطه علی- معلولی در نظر می‌گیرد و فناوری را دارای نقش فعالی در نظام اجتماعی بازی می‌داند. به این ترتیب، سهم عوامل اجتماعی نادیده گرفته می‌شود. باورمندان به این رویکرد معتقدند این فناوری است که فعالیت‌های اجتماعی را رهبری و انتخاب‌ها و حدود آنها را مشخص می‌کند و تغییرات اجتماعی را منحصراً به ورود و استفاده از یک فناوری ربط می‌دهند.

این گفتمان که بین چند گروه از جمله نمایندگان سازندگان و عرضه‌کنندگان فناوری، رسانه‌ها، فناوری‌شناسان و سیاستمداران رایج است، دو فرضیه اصلی دارد: نخست اینکه اختراع یک فناوری جدید و ورود آن به جامعه، الزاماً مولد تغییرات اجتماعی است. به عبارت دیگر فرد، فرهنگ، جامعه یا اقتصاد، تحت تأثیر مستقیم فناوری یا رسانه‌اند و این فناوری است که باعث ایجاد دگرگونی در آنها می‌شود. معتقدان به این رویکرد، همزمان با تولید و به‌بازار آمدن یک فناوری، «نتایج» یا «تأثیرات» آن را بر جامعه حدس می‌زنند و تغییرات اجتماعی را محصول ورود فناوری‌های جدید می‌دانند. دوم اینکه همزمان با خلق فناوری جدید و ارائه آن به بازار، می‌توانیم پیش‌بینی کنیم که مردم چه استفاده‌ای از آن

1. McQuail

می‌کنند (ضابط و چشمه‌سهرابی، ۱۳۸۸).

پس از جنگ جهانی دوم تا دهه ۷۰ میلادی، رویکرد جبرگرایی فناورانه، گفتمان برتر بود، زیرا در این دوره، فناوری‌های مختلفی وارد تمامی فعالیت‌های صنعتی و اجتماعی شدند و این موضوع محققان را بر آن داشت که تغییرات عظیم اجتماعی آن زمان را مدیون تحولات فناورانه بدانند. این رویکرد، از دهه هشتاد میلادی با تردید روبه‌رو شد و برخی از پژوهشگران را بر آن داشت که پاسخی برای پرسش‌های زیر بیایند: چرا استفاده‌کنندگان، فناوری خاصی را رد می‌کنند؟ یا چرا در استفاده از بعضی فناوری‌ها مشکل ایجاد می‌شود؟ به بیان دیگر، مطالعه در زمینه «تصاحب اجتماعی» فناوری در زندگی فردی و اجتماعی افراد که اسکار دیگی از آن به عنوان منطق اجتماعی یاد می‌کند آغاز شد. از این‌رو به تدریج تفکر «فناوری مقتدر» که قادر است به تنهایی جهان بشری را تغییر دهد کنار رفت و محققان دریافتند که برای فهم سرنوشت اجتماعی هر فناوری جدید، باید به مطالعه انسان‌هایی بپردازیم که آن را تولید و مصرف می‌کنند؛ بنابراین محققان به سوی مطالعه مردم و جامعه رفتند و دلایل تغییر در جامعه را در خود آن جستجو کردند. در سنت بریتانیایی، پژوهش‌های سیلورستون^۱ دربارهٔ اهلی‌سازی فناوری ارتباطی، به نقش بستر اجتماعی و فرهنگ خانوادگی در استفاده از فناوری‌ها پرداخته‌اند (فرقانی، بدیعی، ۱۳۹۴) و در فرانسه و آمریکای شمالی، این مطالعات با عنوان «جامعه‌شناسی استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی» شناخته می‌شوند (ضابط، چشمه‌سهرابی، ۱۳۸۸). از این‌رو نگاه‌های جامعه‌شناختی و برآمده از مطالعات فرهنگی به فناوری، نظریه جبرگرایی را زیر سؤال برد. به عبارت دیگر، «می‌توانیم ملاحظه کنیم که نظریه فرهنگی اروپایی نیز بر این نکته تأکید می‌کند که فناوری به خودی خود فرهنگ را دگرگون نمی‌سازد... این هسته اصلی همه تحلیل‌های فرهنگی اروپایی از فناوری است» (ون لون، ۱۳۸۸: ۹۸).

دیدگاه جبرگرایی فناورانه دربارهٔ رسانه‌های سنتی نیز مطرح است. چهره برجسته این تفکر، مک لوهان^۲ آمریکایی است که با جمله معروف «رسانه پیام است»، در شکل دادن به این باور جبرگرایانه که رسانه‌ها تأثیری مستقیم بر جامعه دارند، نقش مهمی ایفا کرده است.

اهلی‌سازی فناوری ارتباطی

مفهوم اهلی‌سازی به عنوان یک جریان نظری، در تقاطع بین سه سنت جامعه‌شناختی متفاوت قرار دارد: مطالعاتی دربارهٔ علم و فناوری، مطالعات رسانه‌ای و مطالعات فرهنگی.

1. Silverstone
2. McLuhan

نویسندگان اصلی این نظریه مطالعاتشان را در زمره کارهای مطالعات فرهنگی بریتانیایی می دانند.

سیلورستون، یکی از پژوهشگران مهم این نظریه، معتقد است اهلی کردن، چیزی مشابه اهلی کردن حیوان است، یعنی فرایندی که توسط آن این حیوان به زندگی تحت نظر و در جوار محل زندگی انسان عادت می کند؛ فرایند رام کردن یا کنترلی که از ابزار یک عضو دیگر خانواده می سازد یا این طور در نظر گرفته می شود. او تصحیح می کند که اهلی کردن مستلزم وارد کردن ابزارهایی از محیط هایی نظیر حوزه های عمومی، مغازه ها، نمایشگاه ها، حوزه کار، کارخانه ها، مزارع کشاورزی و حرفه ها به منزل است. عبور یا انتقال اشیا از مرزی که حوزه عمومی و حوزه خصوصی را از هم جدا می کند، یک جنبه اصلی چیزی است که وی اهلی شدن می نامد (سیلورستون، ۱۹۹۴: ۱۶۸).

سیلورستون و دیگران از نظریه پردازان این جریان، با مطالعاتی که درباره تلویزیون در خانواده انجام دادند نتیجه گرفتند که خانواده ها الزاماً از دنیای رسانه و به طور عام فناوری تاثیر نمی پذیرند، چرا که هر خانواده یک اقتصاد اخلاقی خاص دارد که با اقتصاد رسمی حوزه عمومی فرق می کند. این اقتصاد اخلاقی روی دانش ها، ارزش ها، قواعد و سلیق خانواده و اعضای آن تکیه و مشخص می کند ابزارها و معناها چطور در سپهر خانواده ادغام و احیاناً از آن خارج می شوند (Lohisse, ۲۰۰۹: ۱۳۵).

یکی از فرضیات اصلی این نظریه این است که مصرف رسانه ای باید در بسترش مطالعه شود. مصرف فناوری حتی اگر فردی باشد، در خلأ اتفاق نمی افتد. محققان نشان دادند بستر اجتماعی در قالب قوانین، هنجارها و انتظارات، بر استفاده فردی از فناوری چه در خانواده ها و چه در گروه های دیگری که مورد مطالعه قرار گرفته بودند اثر می گذارد. مطابق این نظریه، استفاده از فناوری، رفتاری خصوصی نیست، چرا که فرد هم از لحاظ رفتاری و هم از نظر نمادین، در حال انجام کاری در بستر فرهنگ عمومی است (فرقانی و بدیعی، ۱۳۹۴).

نظریه های جامعه شناسی استفاده از فناوری های ارتباطی

از دهه هشتاد میلادی در فرانسه و آمریکای شمالی نیز سلسله مطالعاتی پیرامون استفاده از فناوری های دیجیتال شروع شد که در آن زمان نوین خوانده می شدند. این پژوهش ها که در زمینه جامعه شناسی استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی انجام شده اند، به مطالعه نحوه استفاده از فناوری ارتباطی پرداخته اند. روش تحقیق این مطالعات روش کیفی و پرسش اصلی آنها این بود: مردم چه استفاده ای از فناوری های جدید ارتباطی و اطلاعاتی می کنند؟

نظریه‌های جامعه‌شناسی استفاده از فناوری دیجیتال به سه دسته متفاوت تقسیم می‌شوند: ۱. نظریه‌هایی که به مطالعه زمان نوآوری و مسائل اجتماعی حول آن می‌پردازند؛ ۲. نظریه‌هایی که بر بحث گسترش فناوری و دلایل پخش و عدم پخش آن متمرکز می‌شوند؛ ۳. نظریه‌هایی که به بحث تصاحب فناوری می‌پردازند.

محققان این رویکرد با زیرسؤال بردن دیدگاه جبرگرایانه (که به موجب آن تغییرات به وجود آمده در جامعه منحصرأ به ورود فناوری مربوط می‌شود و نقش هرگونه عامل اجتماعی، فرهنگی، کنش و واکنش فعالان اجتماعی و نظایر آن در نظر گرفته نمی‌شود) به میان مردم می‌روند و با روش مشاهده و مصاحبه‌های عمیق، استفاده‌های واقعی مردم از یک فناوری جدید را مطالعه و بررسی می‌کنند. آنها نشان داده‌اند که فناوری‌های جدید ارتباطی جای خود را در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و تعاملات خانوادگی قبلی پیدا می‌کنند، به این معنا که با ورود یک فناوری جدید، فرهنگ استفاده از آن از ناکجاآباد وارد نمی‌شود، بلکه استفاده‌کنندگان، از آن ابزار ارتباطی، در چارچوب فرهنگ، آداب و رسوم و سنن قبلی خود استفاده می‌کنند (ضابط، چشمه سهرابی، ۱۳۸۸).

دسته دوم نظریه‌های این پژوهش به نظریه‌های جامعه نوین و نقش مؤلفه‌های آن در استفاده از فناوری‌های دیجیتال ارتباطی و تغییراتی که این فناوری‌ها در صلۀ رحم و به‌طور کلی ارتباطات انسانی ایجاد کرده‌اند اشاره می‌کنند.

تلفن همراه و ارتباط سیال (باومن)

باومن از جمله متفکران و فیلسوفان مشهور پُست مدرن و صاحب نظریه مدرنیته سیال است. این دانشمند لهستانی با تقسیم مدرنیته به دو مرحله مدرنیته جامد و مدرنیته سیال، تفاوت‌ها و تغییرات نحوه زندگی با اعصار گذشته را توضیح می‌دهد. او در مدرنیته سیال معتقد است که پیوندهای انسانی سست و شکننده می‌شوند و همه تعهدات و عشق افراد نسبت به یکدیگر موقتی و زودگذرند که این خود موجب شکنندگی و مصرفی شدن روابط افراد نسبت به یکدیگر می‌شود (باومن، ۱۳۸۴). عینیت نظریه باومن را می‌توانیم امروزه در خانواده‌ها و افرادی که در استفاده از اینترنت و تلفن همراه افراط و زیاده‌روی می‌کنند مشاهده کنیم. افراد خانواده به‌ظاهر در کنار یکدیگر حضور دارند، ولی هرکدام از آنها با تلفن همراه خود در دنیای مجازی خود سیر می‌کند و هیچ ارتباط کلامی و عاطفی در محیط خانه و خانواده برقرار نمی‌سازد. محیط خانه تنها به‌عنوان خوابگاه برای آنان مورد استفاده قرار می‌گیرد. این زندگی مجازی و شبکه‌های اجتماعی، الگوی ارتباطات سنتی دنیای حقیقی را از بین برده و از شکل‌گیری ارتباطات به‌مانند گذشته ممانعت

می‌کند. افراد را به عزت می‌برد، به‌گونه‌ای که افراد انزوا را بر روابط اجتماعی و خانوادگی خود ترجیح می‌دهند. این موضوع، روابط عاطفی افراد را کمرنگ و سرد می‌سازد و مسئولیت‌های متقابل آنان را نسبت به هم از بین می‌برد. بنابراین باومن معتقد است فناوری‌های ارتباطی و صنعت ارتباطات قادرند همزمان مرزهای زمان و مکان را بشکنند و فضای مجازی‌ای ایجاد کنند که افراد در آن به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. چنین تعاملی به‌خصوص در روابط و ازدواج‌های اینترنتی دیده می‌شود. بنابراین می‌توانیم بگوییم که باومن معتقد به تأثیر فناوری‌های ارتباطی بر زندگی اجتماعی است. به نظر باومن، ارتباط بین انسان‌ها تغییر کیفی کرده و مهم‌ترین عامل این تغییر، رشد زندگی نوین با ویژگی‌های عقلانی و حساب‌گرایانه‌اش یعنی شهرنشینی و فناوری‌های ارتباطی و وسایل ارتباط جمعی است. بنابراین، باومن معتقد است مدرنیته سیال، انسان‌های سیال و در حال حرکت را می‌آفریند که نمی‌توانند در کنار پریزهای تلفن منتظر بمانند. چنین افرادی نیاز به تلفن همراه دارند. فناوری‌های نوین ارتباطی باعث می‌شوند تفاوت‌های مکانی از بین بروند و تغییرات مهمی در ارتباط ایجاد شوند. وقتی افراد تلفن همراه با خود دارند، هیچ‌گاه غایب نیستند؛ حاضرند، اما اسیر یک محل نیستند؛ اما چنین انقلابی بسیاری از ویژگی‌های ارتباط انسانی را از بین برده است و معنای جدید برای آن خلق می‌کند. بنابراین تلفن‌های همراه تأثیرات عمیقی بر روابط انسانی گذاشته و موجب ظهور همجواری مجازی شده‌اند. در همجواری مجازی به‌طور همزمان شاهد افزایش کمی پیوندها و سطحی و کوتاه‌تر شدن آنها هستیم. همجواری مجازی به بهترین شکل، ارتباط انسانی را در مدرنیته سیال نمایش می‌دهد (امیرپور و بهرامیان، ۱۳۹۳).

تجدد و چالش‌های انسان در جهان معاصر

در سالهای پایانی قرن بیستم میلادی، صحبت پیرامون مسألهٔ تجدد در جامعه‌شناسی، به یکی از موضوعات مهم تبدیل شد. گیدنز از جمله نظریه‌پردازانی است که در این زمینه بحث کرده و تلاش می‌کند تا از طریق ارائه مباحثش در دو حوزهٔ جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، به ارائه دیدگاه‌هایش بپردازد.

گیدنز در پی این است تا به توضیح این به‌هم‌ریختگی در درون انسان معاصر و جهانانش بپردازد. وی به دنبال این است تا به پرسش چگونه باید در جهان اکنون زندگی کنم پاسخ دهد. تجدد، تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید می‌آورد و بر خصوصی‌ترین و جوه تجربیات ما تأثیر می‌نهد؛ تغییراتی که به‌طور مستقیم بر زندگی فردی و بنابراین با «خود» ما در هم می‌آمیزد. در واقع تجدد در اندیشهٔ گیدنز، به معنای سخن‌گفتن از سازمان‌ها نیست،

بلکه سخن گفتن از سازماندهی است، به معنی کنترل منظم و قاعده‌مند روابط اجتماعی در فواصل زمانی و فضایی نامحدود (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴).

دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، دنیای فرّار (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۵) و آهنگ تغییرات و تحولات در آن به شدت سریع است، به نحوی که تأثیر خود را بر همه ابعاد زندگی بشر و در جهان بیرون و درون او می‌گذارد. خصلت درحال تغییر بودن، این چنین جهانی را با واژه بحران در ذهن همراه می‌سازد و یادآور این مسأله است که فضا مملو از تهدید، خطر و ابهام است؛ فضایی که انسان را به‌طور مداوم درگیر فرایند خویشتن‌یابی و تلاش برای کسب مفهوم جدید هویت می‌کند. گیدنز برای توضیح پویایی و تحرک بسیار بالای این جهان، از سه عنصر اصلی یاد می‌کند و با توضیح آن، به تبیین این مسأله می‌پردازد. این سه عنصر عبارت‌اند از: جدایی زمان و فضا، ساختارهای تکه‌بندی (ازجاکنندگی) و بازتابندگی.

از آنجا که جدایی زمان و فضا و ازجاکنندگی به پژوهش ما مربوط می‌شود، به توضیح این دو مورد می‌پردازیم. زمان و فضا در نظریه گیدنز، متغیرهای تعیین‌کننده‌ای هستند. در جوامع ماقبل مدرن، زمان و مکان به نحو غیرقابل تفکیکی برهم منطبق بودند. «چه وقت» تقریباً همه جا با «کجا» مرتبط بود و یا با رخدادهای منظم طبیعی تشخیص داده می‌شد. اختراع ساعت مکانیکی و اشاعۀ آن در میان تقریباً همه اعضای جامعه، اهمیت تعیین‌کننده‌ای در جدایی زمان از مکان داشت. ساعت، بُعد یکنواختی از زمان «تهی» را بیان کرد، زمانی که به چنان شیوه‌ای کمیت پیدا کرد که تعیین دقیق نقاط روز را ممکن ساخت (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۲). فناوری‌های ارتباطی دیجیتال نیز این لازم‌انی و لامکانی را امکان‌پذیر می‌کنند.

دومین مفهوم مورد نظر، ازجاکنندگی است. منظور از این مفهوم، کنده شدن روابط اجتماعی از محیط‌های محلی «هم‌کنش» و تجدید ساختار این محیط‌ها در راستای پهنه‌های نامحدود زمانی-مکانی است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۲۶). در واقع جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، با جهان پیشین متفاوت است، چرا که این جهان، قطعه‌قطعه شده و بسیار تخصصی می‌باشد. براین اساس، اطلاعات و دانشی که ما داریم محدودند، چرا که بیشتر مختص به یک حوزه‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کمی است و به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری آن شامل تمام جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر یاسوج است که طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت جوانان این شهر ۳۹۰۹۷ نفر می‌باشد. جامعه این پژوهش از آن جهت جوان

انتخاب شد که عمدتاً جوانان گرایش بیشتری به فناوری های دیجیتال دارند و استفاده از این ابزارها در بین این قشر عمدتاً با مقاومت کمتری روبه رو می شود. درعین حال، این قشر بیشتر از سایر اقشار متهم به قطع رابطه با قوم و خویش و حتی اعضای خانواده در اثر مشغولیت به فناوری ارتباطی اند. انتخاب استان کهگیلویه و بویراحمد نخست به دلیل سهولت دسترسی محقق است. دوم اینکه این استان هنوز به بسیاری از سنت های بومی خود پایبند است که از جلوه های آن می توانیم به حفظ پوشاک سنتی اشاره کنیم، چیزی که در سایر استان های کشور کمتر یافت می شود. این نکته از جهت برجته بودن نقش فرهنگ در استفاده از تکنولوژی ارتباطی در پژوهش ما حائز اهمیت است. حجم نمونه با استفاده از فرمول سکوکران، ۳۸۴ نفر تعیین و برای انتخاب نمونه ها، از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. در این پژوهش، اعتبار پرسشنامه، اعتبار محتوایی و آن هم از نوع اعتبار صوری است؛ یعنی با مراجعه به داوران متخصص، اعتبار پرسشنامه تأیید شده است. برای تعیین پایایی، از هماهنگی درونی ابزار به روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه، قبل از انجام نهایی تحقیق، ۳۰ پرسشنامه تکمیل و با کمک نرم افزار spss، آلفای کرونباخ محاسبه شد. مقدار بالای آلفای سازه ها و عدم ناهماهنگی در بین آیتم ها، دلیلی بر مناسب بودن پرسشنامه است. در این پژوهش، میزان پایایی فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی ۰/۷۲۵، صله رحم فیزیکی، ۰/۷۴۳ و صله رحم دیجیتالی، ۰/۷۰۰ بود.

یافته های پژوهش

الف) آمار توصیفی پژوهش

در قسمت آمار توصیفی پژوهش، ویژگی های کلی پاسخگویان به لحاظ ویژگی های جمعیتی و دیگر متغیرهای کمی تحقیق ذکر می شود. براساس نتایج توصیفی متغیرهای جمعیتی، از مجموع ۳۸۴ نفر پاسخگو، ۲۳۲ نفر (۶۰/۴ درصد) مرد و ۱۵۲ نفر (۳۹/۶ درصد) زن هستند. ۱۱۱ نفر (۲۸/۹ درصد) از آنان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال، ۱۷۰ نفر (۴۴/۳ درصد) در گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال و ۱۰۳ نفر (۲۶/۸ درصد) از آنان در گروه سنی ۲۶ تا ۲۹ سال قرار گرفته اند که میانگین سنی آنها ۲۳ سال است. ۲۸۰ نفر (۷۲/۹ درصد) از پاسخگویان مجرد و ۱۰۴ نفر (۲۷/۱ درصد) متأهل اند. از لحاظ میزان تحصیلات، ۹۳ نفر (۲۴/۲ درصد) از آنان دیپلمه و پایین تر، ۷۴ نفر (۱۹/۳ درصد) فوق دیپلمه، ۱۷۴ نفر (۴۵/۳ درصد) کارشناس و ۴۳ نفر (۱۱/۲ درصد) از آنان کارشناس ارشد و بالاترند.

نقش فناوری‌های ارتباطی دیجیتال در برقراری صلۀ رحم ۱

جدول ۱. خلاصه وضعیت آمار توصیفی متغیرهای تحقیق و بررسی نرمال بودن آنها

متغیرها	شاخص‌های آماری					
	میانگین نظری	میانگین نمونه	انحراف معیار	حد اقل	حداکثر	چولگی
میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی	۳	۳/۲۴	۰/۵۹۷	۱/۵۶	۴/۶۷	-۰/۲۰۲
میزان صلۀ رحم	۳	۳/۰۵	۰/۶۳۱	۱/۲۰	۵	۰/۰۹۹
میزان صلۀ رحم دیجیتال	۳	۳/۳۸	۰/۷۹۲	۱/۴۰	۵	۰/۰۳۰
میزان صلۀ رحم فیزیکی	۳	۲/۷۲	۰/۸۲۱	۱	۵	۰/۲۰۷
سن	-	۲۲/۷۱	۳/۸۵	۱۵	۲۹	-۰/۰۶۵

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، شاخص‌های آماری تمامی سازه‌های پژوهش گزارش شده است و با توجه به میانگین‌های به‌دست‌آمده، میزان استفاده فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و میزان صلۀ رحم ارتباطی پاسخگویان در حد بالاست، میزان صلۀ رحم آنها در حد متوسط و صلۀ رحم فیزیکی آنها کمتر از متوسط است. میزان چولگی و کشیدگی متغیرها (در بازه +۱ و -۱) نشان می‌دهد که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند.

ب) آمار استنباطی پژوهش

در بخش استنباطی تحقیق، برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. در جدول زیر (شماره ۲)، نتایج فرضیات گزارش شده‌اند:

جدول ۲. نتایج ماتریس همبستگی بین سازه‌های کیفی پژوهش (n = ۳۸۴)

(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	سنجش رابطه بین متغیرها
				۱	میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی (۱)
			۱	۰/۱۲۸*	میزان صلۀ رحم (۲)
		۱	۰/۷۷۴**	۰/۱۲۲*	میزان صلۀ رحم دیجیتال (۳)
	۱	۰/۲۲۶**	۰/۷۹۲**	۰/۰۷۹	میزان صلۀ رحم فیزیکی (۴)
۱	-۰/۰۹۶	-۰/۰۳۶	-۰/۰۸۵	۰/۰۷۸	سن (۵)

* P < ۰/۰۵

** P < ۰/۰۱

براساس نتایج جدول شماره ۲، مشاهده می‌شود که بین میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و میزان صلۀ رحم، رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$ و $r = 0/128$) و ضریب همبستگی مثبت و مستقیم بین دو متغیر میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و میزان صلۀ رحم نشان می‌دهد هرچه میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جوانان افزایش یابد، میزان صلۀ رحم آنان هم افزایش می‌یابد.

همچنین بین میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و میزان صلۀ رحم دیجیتالی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/05$)، اما بین میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و میزان صلۀ رحم فیزیکی، رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($P > 0/05$). باز براساس نتایج جدول شماره ۲، بین سن و سایر متغیرها، رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($P > 0/05$). مقایسه میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و میزان صلۀ رحم بین گروه‌های مستقل (زنان و مردان - مجردها و متأهلها).

جدول ۳. نتایج آزمون t دو گروه مستقل برای مقایسه میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و میزان صلۀ رحم بین گروه‌های مستقل (زنان و مردان - مجردها و متأهلها).

متغیر	گروه‌های مستقل	میانگین	تعداد	انحراف استاندارد	نمره t	درجه آزادی	سطح معناداری
میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی	مرد	۳/۳۰	۲۳۲	۰/۶۳۹	۲/۵۲۶	۳۸۲ ۳۶۵/۷۵	۰/۰۱۲
	زن	۳/۱۵	۱۵۲	۰/۵۱۵			
میزان صلۀ رحم	مرد	۳/۰۱	۲۳۲	۰/۶۵۰	۱/۴۳۷	۳۸۲ ۳۴۰/۷۴	۰/۱۵۲
	زن	۳/۱۱	۱۵۲	۰/۶۰۰			
میزان صلۀ رحم دیجیتالی	مرد	۳/۲۴	۲۳۲	۰/۷۶۸	۴/۱۷۰	۳۸۲ ۳۱۷/۷۲	۰/۰۰۰
	زن	۳/۵۸	۱۵۲	۰/۷۸۶			
میزان صلۀ رحم فیزیکی	مرد	۲/۷۸	۲۳۲	۰/۸۴۵	۱/۷۳۷	۳۸۲ ۳۴۱/۷۹	۰/۰۷۸
	زن	۲/۶۳	۱۵۲	۰/۷۷۶			
میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی	مجرد	۳/۲۴	۲۸۰	۰/۶۲۱	۰/۱۹۰	۳۸۲ ۲۱۴/۲۹	۰/۸۳۹
	متأهل	۳/۲۵	۱۰۴	۰/۵۳۰			
میزان صلۀ رحم	مجرد	۳/۰۶	۲۸۰	۰/۶۶۷	۰/۷۶۸	۳۸۲ ۲۳۳/۵۵	۰/۴۴۳
	متأهل	۳/۰۱	۱۰۴	۰/۵۲۳			
میزان صلۀ رحم دیجیتالی	مجرد	۳/۳۴	۲۸۰	۰/۷۸۳	۱/۲۵۶	۳۸۲ ۱۷۸/۶۳	۰/۲۱۰
	متأهل	۳/۴۶	۱۰۴	۰/۸۱۲			
میزان صلۀ رحم فیزیکی	مجرد	۲/۷۸	۲۸۰	۰/۸۵۲	۲/۲۸۲	۳۸۲ ۲۱۹/۰۳	۰/۰۲۳
	متأهل	۲/۵۷	۱۰۴	۰/۷۱۱			

با توجه به آزمون فوق، زنان و مردان به لحاظ میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، تفاوت معناداری با هم دارند و با توجه به میانگین‌های به دست آمده در جدول آماره‌های دو گروه (برای مردان ۳/۳۰ و برای زنان ۳/۱۵)، قابل ذکر است که مردان در میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، میانگین بیشتری نسبت به زنان به خود اختصاص داده‌اند. همچنین به لحاظ میزان صلۀ رحم دیجیتالی، تفاوت معناداری با هم دارند و با توجه به میانگین‌های به دست آمده در جدول آماره‌های دو گروه (برای مردان ۳/۲۴ و برای زنان ۳/۵۸)، قابل ذکر است که زنان در میزان صلۀ رحم دیجیتالی، میانگین بیشتری را نسبت به مردان به خود اختصاص داده‌اند؛ اما از لحاظ میزان صلۀ رحم و صلۀ رحم فیزیکی، تفاوت معناداری با هم ندارند.

مجردها و متأهل‌ها به لحاظ میزان صلۀ رحم فیزیکی، تفاوت معناداری با هم دارند و با توجه به میانگین‌های به دست آمده در جدول آماره‌های دو گروه (برای مجردها ۲/۷۸ و برای متأهل‌ها ۲/۵۷)، قابل ذکر است که مجردها در میزان صلۀ رحم فیزیکی، میانگین بیشتری نسبت به متأهل‌ها به خود اختصاص داده‌اند؛ اما از لحاظ میزان استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، میزان صلۀ رحم و میزان صلۀ رحم دیجیتالی، تفاوت معناداری با هم ندارند.

بحث و نتیجه‌گیری

ورود فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به جنبه‌های مختلف زندگی انسان، سبب تغییرات زیادی شده است. این تغییرات گاه مثبت و گاه منفی ارزیابی می‌شوند. این پژوهش، نوع خاصی از تغییر مبتنی بر ایجاد یا از بین بردن صلۀ رحم توسط جوانان را بررسی کرده است. هرچند که برخی پژوهشها نشان داده‌اند فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی دیجیتال سبب ایجاد ارتباط بیشتر با دوستان و همسالان می‌شوند، لیکن این ابزارها در گفتمان برخی سیاستمداران، کارشناسان و حتی محققان، مسبب قطع رابطه با خویشاوندان و عدم برقراری رابطه با ایشان تلقی هستند.

این پژوهش نشان داد که این ذات فناوری نیست که سبب ایجاد یا از بین بردن رابطه می‌شود، بلکه کاربر، نحوه استفاده و خصوصیات فرهنگی وی هستند که در برقراری ارتباط یا عدم آن نقش دارند.

بر اساس نتایج به دست آمده، بین استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی و صلۀ رحم، رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان استفاده جوانان شهر یاسوج از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، نه تنها نمی‌توانیم فناوری اطلاعاتی و ارتباطی را در کاهش

صله رحم فیزیکی مؤثر بدانیم، بلکه میزان صله رحم دیجیتالی نیز تقویت می‌شود. درحقیقت خصوصیت تعاملی، ناهمزمانی و لامکانی این ابزارهاست که امکان برقراری گفتگو را به استفاده‌کنندگان می‌دهد. همان‌طور که در بخش نظری مطرح شد، باومن در استفاده از تلفن همراه، از همجواری مجازی صحبت می‌کند، به این معنا که این ابزار فتاوانه این امکان را به استفاده‌کنندگان می‌دهد که درعین حال که از هم دورند، با هم ارتباط برقرار کنند و از احوال هم باخبر شوند. در همجواری مجازی، به‌طورهمزمان شاهد افزایش کمی پیوندها و سطحی و کوتاه‌تر شدن آنها هستیم.

ما در این تحقیق، به دلیل نوع آن، قادر به قضاوت درباره سطحی و کوتاه‌تر شدن یا نشدن این روابط نیستیم. نکته قابل توجه یافته‌های این تحقیق، تقابل آنها با نتایج تحقیقات و پیش‌قضاوتهایی است که درباره این فتاوری‌ها وجود دارند و مقصر کاهش رابطه با خویشاوندان تلقی می‌شوند.

در تحلیل این یافته می‌توانیم بگوییم که فتاوری‌های ارتباطی، به این دلیل که به افراد امکان تعامل همزمان و قلمروزدایی می‌دهند، مرزهای زمان و مکان را می‌شکنند و فضای مجازی‌ای ایجاد می‌کنند که افراد در آن به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. به همین دلیل، باومن معتقد است ارتباط بین انسان‌ها تغییر کیفی کرده و مهم‌ترین عامل این تغییر را رشد زندگی نوین با ویژگی‌های عقلانی و حساب‌گرایانه‌اش، شهرنشینی و فتاوری‌های ارتباطی و وسایل ارتباط جمعی می‌داند.

ازسوی دیگر، مطابق نظریه‌های جامعه‌شناسی، استفاده از فتاوری دیجیتال و اهلی کردن فتاوری و استفاده از فتاوری جدید، ریشه در فرهنگ خانوادگی و جامعه استفاده‌کننده دارد، به این معنا که با ورود يك فتاوری جدید، فرهنگ استفاده از آن از ناکجاآباد وارد نمی‌شود، بلکه استفاده‌کنندگان، از آن ابزار ارتباطی در چارچوب فرهنگ، آداب و رسوم و سنن قبلی خود استفاده می‌کنند.

در استان کهگیلویه و بویراحمد، به دلیل داشتن گویش‌های خاص (لری و ترکی)، بافت عشایری و روستایی، آداب و رسوم خاصی که مبتنی بر ارزش‌های دینی و ایرانی هستند وجود دارند. اغلب مردم که استفاده‌کننده‌های فتاوری بخشی از آنان هستند نیز به این ارزش‌ها پایبند و در چارچوب این ارزش‌ها از این فتاوری‌ها استفاده می‌کنند؛ بنابراین برقراری و افزایش صله رحم دیجیتالی می‌تواند به دلیل اقتضات فرهنگی استفاده‌کنندگان این ابزارها باشد.

شاید بتوانیم به این نتیجه برسیم که دیدگاه جبرگرایانه تکنیکی که تغییرات اجتماعی را منحصرأ به فتاوری نسبت می‌دهد، دیدگاه درستی برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی نیست.

تکنیک به‌تنهایی نمی‌تواند عامل ایجاد تغییر در یک جامعه باشد، چراکه استفاده‌کنندگان فناوری، با توجه به فرهنگ اجتماعی، قومی، خانوادگی و نظایر آن با فناوری روبه‌رو می‌شوند و آن را در زندگی روزمره به کار می‌گیرند. برای مطالعه تغییرات اجتماعی، نباید به مطالعه شیوه و روش بسنده کنیم، بلکه باید به جامعه و فرهنگ استفاده‌کننده‌های آن جامعه رجوع نماییم و استفاده از فناوری را در بستر فرهنگ آن جامعه مطالعه کنیم.

با اینکه از ورود اینترنت و راه‌اندازی اولین اپراتور تلفن همراه در ایران بیش از دو دهه می‌گذرد، اما گسترش و در واقع جهش فناوری ارتباطات سبب شده تعاملات و ارتباطات، در بسیاری از اوقات از طریق این ابزارها صورت پذیرد.

با فرهنگ‌سازی مناسب و تعادل میان ارتباطات مجازی و مناسبات واقعی انسان‌ها و همچنین با بهره‌گیری از آیین‌ها و سنن مفید، می‌توانیم تعادلی ضروری میان ارتباطات مجازی امروز و روابط سنتی کهن برقرار کنیم.

منابع و مأخذ

آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۲). **غررالحکم و دررالکلم**، ترجمۀ محمدعلی انصاری، قم: انتشارات امام عصر.

امیدعلی، میثم و سیدحسن حسینی. «مروری انتقادی بر مهم‌ترین نظریه‌های تکنولوژی رسانه»، **مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ**، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲: ۳۷-۲۵.

امیریور، مهناز و شفیع بهرامیان (۱۳۹۳). **مبانی کلی نظریه‌های ارتباط جمعی**، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

باومن، زیگموند (۱۳۸۴). **عشق سیال**، در **باب ناپایداری پیوندهای انسانی**، ترجمۀ عرفان ثابتی، تهران: انتشارات ققنوس.

دهقان، حسین و برزو مروت (۱۳۹۷). «بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با روابط اجتماعی دانش‌آموزان»، **فصلنامه علوم خبری**، سال هفتم، شماره ۲۵: ۱۳۲-۱۰۳. دیندارفرکوش، فیروز؛ وحید عقلی و طیبیه جهانبازی‌گوجانی (۱۳۹۲). «استفاده از تلفن همراه در ارتباطات چهره‌به‌چهره از نظر دانشجویان دانشکده علوم انسانی واحد تهران شرق (قیام‌دشت)»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌ای**، شماره ۱: ۹۹-۸۷.

ریبیعی، علی و فرشته محمدزاده (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی فضای مجازی؛ بررسی تأثیر استفاده از اینترنت بر انزوای اجتماعی دانشجویان»، **فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی**، سال دوم،

بهار ۱۳۹۲، شماره ۶: ۶۰-۴۳.

شرف‌الدین، سیدحسین (۱۳۷۸). **تحلیلی اجتماعی از صلۀ رحم**، تهران: مرکز تبلیغات اسلامی. ضابط، شادی و مظفر چشمه‌سهرابی (۱۳۸۸). «تأملی بر نظریه‌های جامعه‌شناسی استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی»، **فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی**، سال شانزدهم، شماره ۴: ۶۱-۳۷.

عقیلی، وحید و احسان پوری (۱۳۹۰). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر ارتباطات بین‌فردی کاربران»، **مجله فرهنگ ارتباطات**، شماره ۳: ۳۶-۱۸.

فرقانی، محمد مهدی و بهار بدیعی (۱۳۹۴). «فرایند اهلی‌سازی تکنولوژی رسانه‌ای: تجربه زیسته جوانان ایرانی در پذیرش تلفن همراه هوشمند»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌ای**، شماره ۴: ۱۷۸-۱۳۳.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). **فروع کافی**، ترجمه علی اکبر غفاری، قم: دارالکتب الاسلامی. کنعانی، محمد امین؛ حمیده محمدزاده و فاطمه محمدزاده (۱۳۹۳). «بررسی رابطه استفاده از اینترنت با نگرش به دوستی اینترنتی با جنس مخالف در میان دانشجویان دانشگاه گیلان»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، شماره ۴: ۸۴-۶۳.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶). **پیامدهای مدرنیته**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۴). **بحار الانوار**، قم: اسلامیة.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). **بحار الانوار**، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

مرشدی‌زاده، علی (۱۳۹۱). **ظرفیت‌های فراروی جهان اسلام در فضای مجازی**، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۹). **نظریه‌های رسانه، اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی**، تهران: انتشارات همشهری.

مهدی‌زاده‌ملاباشی، تورج (۱۳۹۱). **مقدمه‌ای بر تکنولوژی‌های نوین رسانه‌ای**، تهران: مؤلف.

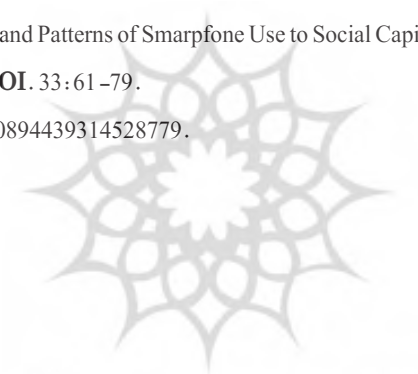
مهدی‌زاده، شراره و زهرا خیلا (۱۳۹۲). «تلفن همراه و روابط اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی»، **فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۳۲: ۱۱۷-۹۹.

ون لون، یوست (۱۳۸۸). **تکنولوژی رسانه‌ای از منظر انتقادی**، ترجمه احد علیقلیان، تهران: همشهری.

Devitt, K. (2009). **The Role of Mobile Phones in Family Communication**, Children & Society Volume 23: 189-202.

Lohisse J. (2009). **La Communication: De la Transmission à la Relation** ; Avec la Collaboration de: Annabelle Klein, Geoffroy Patriarche. Paris: De Boeck.

- Silverstone R. (1994). **Television and Everyday Life**, Routledge.
- Roberts, J. A., & David, M. E. (2016). My Life Has Become a Major Distraction from My Cell Phone: Partner Phubbing and Relationship Satisfaction Among Romantic Partners. **Computers in Human Behavior**, 54: 134-141.
- Carvalho, J., Francisco, R., & Relvas, A. P. (2017). Family Functioning and Information and Communication Technologies: How Do They Relate? A Literature Review. **Computers in Human Behavior**, 45, 99-108. & Behavior, 10: 640-644.
- Lewis, A. J., Knight, T., Germanov, G., Benstead, M. L., Joseph, C. I., & Poole, L. (2016). The Impact on Family Functioning of Social Media Use by Depressed Adolescents: a Qualitative Analysis of the Family Options Study. **Frontiers in Psychiatry**, 6, 131.
- Bian, M. & Leung L. (2014). Linking Loneliness, Shyness, Smartphone Addiction Symptoms, and Patterns of Smartphone Use to Social Capital. **Social Science Computer Review**, VOI. 33: 61-79.
- DOI: 10.1177 /0894439314528779.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی